

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ اردیبهشت

مصادف با: ۱۰ شوال ۱۴۴۴

جلسه: ۳۵

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۵۰ - ارتباط آیه با آیات قبل - مفردات آیه: ۱. «فرقنا» - ۲. «بکم» -

۳. «بحر»

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

آیه ۵۰

آیه ۵۰ این است: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ». خداوند متعال در این آیه می فرماید: و نیز به یاد بیاورید آن زمانی را که دریا را برای شما شکافتیم و سپس شما را نجات دادیم، و آل فرعون را در منظر شما غرق کردیم.

ارتباط آیه با آیات قبل

ارتباط این آیه با آیات قبل، روشن است؛ چون در آیات قبل بحث از نعمت نجات دادن بنی اسرائیل از آل فرعون بود: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ». در آیه قبل به اصل نجات بنی اسرائیل از شر آل فرعون اشاره شد و البته به برخی از ظلم‌ها و عذاب‌هایی که از ناحیه آل فرعون نسبت به بنی اسرائیل روا می شد، اشاره کرده بودند. اصل نعمت نجات بنی اسرائیل از آل فرعون، در آیه قبل بیان شده است؛ در این آیه به نحوه و کیفیت نجات دادن بنی اسرائیل از آل فرعون اشاره می کند که ما چگونه شما را نجات دادیم؛ شما را حفظ کردیم و دریا را برای شما شکافتیم و آل فرعون را در همان دریا غرق کردیم. پس نجات دادن شما از ظلم‌های آل فرعون به این بود که شما را از دریا عبور دادیم، از نهر عبور دادیم و آل فرعون را در دریا غرق کردیم و همه از بین رفتند؛ یعنی شما را زنده نگه داشتیم و آنها را میراندیم و شما از شر آنها نجات پیدا کردید.

در میان نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل ارزانی داشته بود، برخی از نعمت‌ها اهمیت بیشتری نسبت به بعضی دیگر دارند. یادآوری بعضی از امور برای انسان، تکان‌دهنده‌تر و اثرگذارتر است. نعمت‌هایی که خدا به بنی اسرائیل داده بود، زیاد بود؛ به برخی از آنها در آیات قبل اشاره شد. اما الان وقتی تأکید به یادآوری این نعمت می شود، به واسطه اهمیتی است که این نعمت دارد. اینها زمانی که به دریا رسیدند یا به رود نیل، چون اختلاف است که منظور از بحر، آیا بحر احمر است یا رود نیل که اشاره خواهیم کرد؛ نه راه پس داشتند و نه راه پیش؛ از پشت آل فرعون در تعقیب آنها بودند و در مقابل آنها، آب فراوانی که اگر وارد آن می شدند، غرق شدن حتمی بود. اما حضرت موسی با عصای خودش بر این آب زد و این آب شکافته شد، از دو طرف کنار رفت؛ آنها از این آب عبور کردند تا آخرین نفر. بعد از اینکه آخرین نفر از آل فرعون وارد این آب فراوان شد، این آب به جای اولیه خودش برگشت و همه آنها در آن غرق شدند. بنی اسرائیل

در اوج یأس و ناامیدی بودند و خداوند با این معجزه بزرگ آنها را نجات داد و دشمنانشان را از بین برد، در حالی که اینها شاهد و ناظر غرق شدن آل فرعون بودند، این آنقدر اهمیت دارد که یادآوری آن مؤثر است، هم برای خود یهودیانی که در دوران پیامبر(ص) زندگی می‌کردند و این داستان را دهان به دهان از پدران و آبائشان به آنها منتقل کرده بودند، و هم پیامبر(ص) این داستان را نقل می‌کرد، این نعمت در میان آن نعمت‌ها، طبیعتاً بسیار برجسته و مهم بود. پس ارتباط این آیه با آیه قبل و بعد، از این جهت است که خداوند به چگونگی نجات بنی‌اسرائیل از شر آل فرعون اشاره می‌کند؛ هم اصل آن را بیان می‌کند و هم یادآوری بزرگترین نعمت‌های خداوند به آنهاست که چه بسا در آنها تأثیر بگذارد، و هم برای امت پیامبر(ص) درس‌ها و نتایجی دارد که بعداً اشاره خواهیم کرد. پس ارتباط و تناسب این آیه با آیات قبل، این چنین است.

مفردات آیه

طبق روال معمول، ابتدا به مفردات این آیه می‌پردازیم و بعد ان شاء الله بخش‌هایی که در این آیه وجود دارد را تفسیر خواهیم کرد.

کلمه «إِذْ» مثل کلمه «إِذْ» در آیه قبل است: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»؛ درباره «إِذْ» توضیح خاصی لازم نیست.

۱. «فرقا»

«فرقا» از کلمه فرق به معنای قطع و به جدا کردن دو چیز می‌گویند. اگر بین دو چیز جدایی بیفتد، به آن فرق می‌گویند؛ شکافتن، قطع کردن، جدا شدن. شکافتن هم از این باب که باعث جدا شدن می‌شود؛ شما اگر دیواری را بشکافید، بین دو طرف دیوار جدایی می‌افتد. اگر یک هندوانه‌ای را با چاقو بشکافید، بین این قسمت و قسمت دیگر جدایی می‌افتد. موارد استعمال هم زیاد دارد؛ در آیات قرآن واژه فرق و مشتقات آن که به معنای قطع و جدا کردن است، مخصوصاً جدا کردن حق و باطل، استعمال شده است. مثلاً در آیه ۴ سوره مرسلات می‌فرماید: «فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا»، اینجا بین حق و باطل جدایی می‌اندازد و می‌گوید آنها حق را از باطل جدا می‌کنند. یا مثلاً در سوره انفال به روز بدر، یوم الفرقان اطلاق شده، برای اینکه آن روز هم بین حق و باطل جدایی افتاد؛ یا مثلاً در مورد خود قرآن عنوان فرقان اطلاق می‌شود، می‌گوید «قُرْآنًا فَرَقْنَا»، یعنی ما آیات قرآن را تفصیل دادیم و به تدریج آنها را از هم جدا کردیم؛ یعنی نزول آنها را بر اثر تدریج، از هم جدا کردیم. لذا واژه فرق به معنای جداسازی و قطع است، و در اغلب استعمالات قرآنی در جداسازی حق و باطل استعمال شده، اما اختصاص به جدایی حق و باطل ندارد؛ در هرگونه جدایی، این واژه استعمال می‌شود.

اینجا هم که می‌گوید «وَإِذْ فَرَقْنَا»، یعنی به یاد بیاورید زمانی را که ما جدا ساختیم؛ متعلق فرق و جداسازی چیست؟ بحر است، که درباره آن توضیح خواهیم داد. ما دریا را شکافتیم، در دریا فرق ایجاد کردیم، یک طرف دریا را از طرف دیگر جدا ساختیم.

اما در مورد کلمه «بکم» که می‌فرماید «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ»، بحث عمده در مورد معنای «ب» است که «ب» در اینجا به چه معناست. درباره «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ» چند احتمال وجود دارد:

۱. یک احتمال اینکه «ب» به معنای سببیت و به منزله لام تعلیل باشد. طبق این احتمال، «بکم» به معنای لکم است؛ یعنی فرقنا لکم، ما دریا را برای شما و به خاطر شما شکافتیم و جدا کردیم. کآن می‌فرماید فرقنا لکم، برای شما این را جدا کردیم. پس در حقیقت «ب» به معنای لام است، ولی نه علت و سببیت فاعلی یا فعلی، بلکه سببیت و علت غائی؛ چون یکی از اقسام سببیت و علت، سببیت غائیه است. پس طبق این احتمال، «فَرَقْنَا بِكُمُ» می‌شود فرقنا لکم، که لام غایت و سببیت است و به معنای غایت و معنای آن کاملاً روشن است.

۲. احتمال دیگر اینکه «ب» در اینجا به معنای مصاحبت است؛ این احتمال را زمخشری در کشف ذکر کرده، که طبق این احتمال، معنای «بکم» در حقیقت می‌شود معکم، منتهی مصاحبت خودش باید تفسیر شود؛ برخی از مفسرین، از مصاحبت تعبیر به ملابست کرده‌اند؛ اینکه ملابست چیست، این را عرض خواهیم کرد. «بکم» طبق این احتمال، در موضع حال برای مفعول کلمه فرقنا یعنی بحر قرار می‌گیرد؛ یعنی کآن حال بر ذوالحال مقدم شده است؛ چون بحر بعد از آن آمده است. آن وقت معنا این است که ما دریا را شکافتیم، در حالی که دریا مصاحب و همراه با شما بود و با شما معیت داشت.

البته این هم می‌تواند یک معنای لطیفی داشته باشد و هم یک مقداری این معنا از آیه دور باشد؛ اینکه ما دریا را برای شما شکافتیم در حالی که آن دریا مصاحب و همراه شما بود، یعنی این دریا شکافته شد ولی در عین حال شما را همراهی کرد؛ اینطور نبود که خشک شود؛ اینطور نبود که به کلی کنار برود. این همراهی با بنی‌اسرائیل کآن از سوی دریا صورت گرفته است. اینکه در برخی تعابیر ملابست وارد شده، این را مرحوم علامه در المیزان هم نقل کرده که در حالی که دریا با شما ملابست داشت، یعنی لباس و پوشش شما شده بود، این دو قابل ارجاع به هم هستند.

۳. یک فرض دیگر در احتمال دوم این است که بگوییم «بکم» به معنای مصاحبت و در موضع حال است، لکن برای فاعل «فرقنا» یعنی خود خداوند تبارک و تعالی است. آن وقت طبق این احتمال، معنای آیه اینطور می‌شود: ما دریا را شکافتیم، در حالی که همراه شما بودیم؛ یعنی ضمن اینکه راه را باز کردیم و دریا را برای شما شکافتیم، اما مراقب شما هم بودیم؛ اینطور نبود که دریا را بشکافیم و شما به حال خودتان رها شوید. بلکه از ابتدا تا انتها کآن خداوند تبارک و تعالی همراه با این قوم بوده است. خود حضرت موسی هم در آن بیانی که فرمود «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»، به این مطلب اشاره کرده است.

میان این دو احتمال یا سه احتمال، (چون احتمال دوم دو صورت تصویر شد) اینکه کدام احتمال اقوی است، بنابر قرائن و دلایلی به نظر می‌رسد اینکه «ب» به معنای لام و سببیت و غایت باشد، اولی است از اینکه به معنای مصاحبت باشد.

خداوند تبارک و تعالی می خواهد بفرماید ما دریا را برای شما و به خاطر شما شکافتیم؛ یعنی معنا این است: و إذ فرقنا لكم البحر، برای شما شکافتیم و به خاطر شما شکافتیم.

۴. احتمال دیگری که شاید ناشی از کم دقتی باشد، این است که بگوییم باء سببیت است ولی نه به معنای غایت؛ یعنی خود شما سبب شکافتن بحر شدید؛ این احتمال هم ممکن است، ولی این احتمال مقبول نیست؛ چون بعد می فرماید آنچه که سبب شکافتن شد، عصای موسی بود. به سبب عصای موسی دریا شکافته شد، البته به اراده الهی. هر چند می توانیم توجیه کنیم که مثلاً خود اینها سبب شدند ولی با واسطه، اما اینکه باء سببیت باشد نه به معنای سببیت غائیة و نه غایت و تعلیل، این چندان به نظر درست نمی آید. اگر بگوییم باء سببیت است و می خواهد بگوید خود شما سبب شکافتن بحر شدید، این با ظواهر برخی از آیات هم سازگار نیست. پس بهتر این است که ما بگوییم «بکم» در اینجا به معنای لام و غایت و سببیت و علت غائیة است.

۳. «بحر»

کلمه دیگری که اینجا مطرح است و باید درباره آن صحبت شود، کلمه بحر است. کلمه بحر در لغت به طور کلی به هر مکان واسع اطلاق می شود؛ صرفاً مربوط به آب نیست. هر چیزی که وسعت داشته باشد، عنوان بحر بر آن اطلاق می شود. این به دریا اطلاق می شود، به اقیانوس بحر گفته می شود، به جایی که آب زیادی در جریان است، یعنی بر رودخانه های بزرگ هم بحر اطلاق می شود؛ در همه اینها اگر کلمه بحر استعمال شود، مشکلی ندارد. لکن اینجا چون «ال» دارد و ال عهد است، معلوم می شود که اشاره به یک جایی دارد که آب وسیع دارد، یعنی یک مکان خاصی مورد نظر است. در اینکه آن بحر کدام است، بعضی ها گفته اند منظور همان رود نیل است که وقتی به رود نیل رسیدند، رود نیل شکافته شد؛ و از آنجا که رود نیل مشتمل بر آب بسیار زیاد و فراوان است، عرف به آن بحر هم اطلاق می کند. برخی گفته اند منظور دریای سرخ است. اینکه به حسب واقع کدام یک از این دو بوده، شاید شواهد بیشتر با رود نیل سازگار باشد، اما دریای سرخ را هم ذکر کرده اند.

«والحمد لله رب العالمین»